

رسیدن به تقوای الهی با پاسداری دائم از حرم دل

استاد فلسفه اسلامی دانشگاه امام حسین(ع) گفت: باید همه شب پاسدار حرم خدا باشیم و حتی انسان فکر غیر از خدا و گناه را به ذهن خود راه دهد؛



استاد فلسفه اسلامی دانشگاه امام حسین(ع) گفت: باید همه شب پاسدار حرم خدا باشیم و حتی انسان فکر غیر از خدا و گناه را به ذهن خود راه دهد؛ این یعنی پاسداری از حرم خدا؛ در صورتی که این کار را کردیم به تقوای الهی دست یافته ایم و این راه را باید تا فردای قیامت ادامه دهیم.

در روزگاری که انسان ها بیش از پیش در معرض هیاهوی زندگی مدرن قرار دارند، یادآوری معنویت و سیر الی الله، راهی است برای بازگشت به حقیقت گمشده انسان.

خبرنگار ایکنا در گفت و گو با اسماعیل منصوری لاریجانی، استاد فلسفه اسلامی دانشگاه امام حسین(ع) به تبیین مفهومی ژرف از تقوای الهی پرداخته است؛ تقوایی که نه صرفاً پرهیز از گناه، بلکه حفاظت از قلب به عنوان خانه و حرم الهی است.

این استاد فلسفه اسلامی با نگاهی عرفانی و برگرفته از آیات قرآن و کلام اهل بیت(ع)، مسیر استمرار آثار معنوی ماه رمضان را نه در اعمال ظاهری بلکه در مراقبه دائمی و پاسداری از دل ترسیم می کنند. این گفت و گو تأملی بر چیستی و چگونگی حفظ آثار معنوی روزه داری و حضور در ضیافت الهی و نیز تلاشی برای بازشناسی اهمیت دل در سلوک معنوی است که در ادامه مشروح این گفت و گو را می خوانید.

ایکنا - بعد از پایان ماه مبارک رمضان دغدغه بسیاری از مومنین این است که چگونه معنویت این ماه را در خود حفظ کنیم در حالی که گاهی زندگی اجتماعی ما را از این مسئله غافل می کند.

همانطور که در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» بیان شده خداوند در اینجا هدف روزه را بیان کرده است که همان تقوای الهی است. وقتی می گوئیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ»؛ تقوا از ریشه «وقی» به معنای نگه داشتن خدا برای خود است یعنی هدف از روزه این بوده است که ما خودمان و نفسمان را در سایه حاکمیت و ربوبیت خدا قرار دهیم و بنده واقعی او باشیم و فلسفه همه عبادات الهی همین است. اینکه می گوئیم «اتَّقُوا اللَّهَ» به معنای پرهیز کنید از خدا، ترجمه دقیق این عبارت قرآنی نیست و «اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی اینکه خدا را برای خودتان نگه دارید و هر کاری از خداست.

شیطان و هواهای نفسانی در دوران زندگی ما را می گزند. دل ما دالان تردد جنود شیطانی است و وسوسه ها ما را تحریک می کند و هزار گرفتاری داریم اما در ماه رمضان توفیق پیدا کرده ایم که دل را پالایش کنیم و از چنگال هوا و هوس دریابوریم. قلب ها در این ماه حرم الله بوده و خانه تکانی کرده ایم و غیر خدا را از قلبمان دور کرده ایم؛ اکنون باید در حفاظت از این قلب و حرم الهی مراقبت کنیم و خانه خدا را حفظ کنیم.

وقتی می گوئیم خدا را نگه دارید یعنی خانه خدا را حفظ کنید؛ قلب من و شما خانه خداست و نباید این خانه را دوباره به دست شیطان و وسوسه ها دهیم و دوباره اسیر دنیا شویم و جلوه های دنیا ما را فریب دهد. این به معنای حفظ آثار روزه است البته اگر با این نیت روزه گرفته باشیم. چه بسا روزه گرفته باشیم و فقط تشنگی و گرسنگی تحمل کرده باشیم و به پالایش و آرایش خانه خدا نپرداخته باشیم.

امام صادق(ع) فرمود «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»؛ یعنی این قلب خانه و حرم خداست. فرق حرم با خانه این است که ورود غیر خدا به حرم حرام است. ما باید اینگونه از خانه خدا حفاظت کنیم و به قول حافظ «پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب/ تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم». فقط سی شب ماه رمضان نباید مراقب قلب بود بلکه باید همه شب پاسدار حرم خدا باشیم و حتی انسان فکر غیر از خدا و گناه را نباید کند و به ذهن خود راه دهد؛ این یعنی پاسداری از حرم خدا در صورتی که این کار را کردیم به تقوای الهی دست یافته ایم و این راه را باید تا فردای قیامت ادامه دهیم. باید به قدری از این نفس و حریم مراقبت کنیم تا روزی به خدا برسیم. چه بسا عده ای در همان هفته های اول آثار روزه داری را درک می کنند و لذت عبودیت را می چشند.

انسان خیلی غافل است؛ جناب مولوی چقدر زیبا می فرماید «صد هزاران دام و دانه است ای خدا/ ما چو مرغان حریص بی نوا / دم به دم ما بسته دام نویم/ هر یکی گر باز و سیمرغی شویم/ می رهایی هر زمان ما را و باز/ سوی دامی می رویم ای بی

نیاز» یعنی حتی اگر بگوییم من سیمرغ یا عقاب آسمانم باز هم تله ها و دام هایی وجود دارد. خداوند ما را از هر تله و دامی رهایی می دهد؛ ما مدام روزه می گیریم و نماز می خوانیم و صدقه می دهیم اما باز خود را در دام دیگری می اندازیم و ما چه خدای مهربانی داریم که با ما مدارا می کند.

به قول علامه حسن زاده آملی «امام صادق بحر حقایق/ چنین در وصف دل بوده است ناطق/ که دل تنها حرم باشد خدا را/ پس اندر وی مده جا ما سوا را/ بود این نقطه تخم رسم رستگاری/ که باید در زمین دل بکاری/ پس اندر حفظ او کن دیده بانی/ که تا گردد ضمیرت آسمانی» بنابراین ماه رمضان تازه آغاز کار است.

ما مانند کشاورزی هستیم که بذری را در بهار می کارد و باید از آن مراقبت کند تا نیروهای خارجی واردش نشود، بذر آفت نگیرد، به موقع آب دهد و مراقبت کند تا این دانه به ثمر برسد. نباید فکر کنیم که بعد از ماه رمضان می توانیم رها کنیم و از همه چیز تا ماه رمضان دیگر دست بداریم بلکه فصل مراقبت از آنچه کاشته ایم است و فصل مراقبت، رشد، نگهداری و به ثمر رسیدن است نه اینکه همه چیز را رها کنیم.

ایکنا - در ادبیات عرفانی و دینی ما، به مراقبت کردن از خود و نفس تأکید بسیاری شده است راهکارهای این مراقبت چیست؟ باید دامان خدا را نگه داشت و محکم به آن چسبید و لحظه ای خدا را رها نکرد. خدا می فرماید با من زندگی کنید «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ ثَقِيَضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»؛ یعنی اگر یک لحظه با من نباشی و از من غفلت کنی شیطان شما را کمند می زند، رفیق شما می شود و به قدری زندگی را شیرین جلوه می دهد که فکر نمی کنیم فریب خورده ایم؛ پس اولین سطح مراقبت این است که همیشه خود را با خدا نگه داریم. خدا ناظر و حاضر بر اعمال ماست. همه چیز خدا است و غیر از خدا وجود ندارد.

مولانا می گوید «ای در دل من میل و تمنا همه تو/ ای در سر من مایه سودا همه تو/ هرچند بروی کار در می نگرم/ امروز همه تویی و فردا همه تو» وقتی که امروز و فردا خداست؛ وقتی یک ماه زحمت کشیده ایم و از حریم خدا مراقبت کرده ایم و مهمان خدا بوده ایم چرا همه را فراموش کنیم؟ بد است که نمک بخوریم و نمکدان بشکنیم؛ بنابراین شرط اول این است که مدام با خدا باشیم.

ایکنا - آیا برای با خدا بودن مراتبی وجود دارد؟

باید مشاهده کرد که آیا واقعاً در بند خدا هستیم یا خیر و این شرط مراقبت است. مولوی می گوید «بند بگسل باش آزاد ای پسر/ چند باشی بند سیم و بند زر» بسیار زیبا و دقیق است اینکه می گوییم ما به حریم خدا رفته ایم باید ببینیم که آیا واقعاً رفته ایم یا هنوز در بند دنیا و شیطان هستیم. اگر قبل از ماه رمضان حب دنیا، شهرت، قدرت و نفس در ما بوده است و اکنون هم این تمایلات وجود دارد به این معناست که از بند نفس آزاد نشده ایم و هنوز دنبال دنیا و هواهای نفسانی هستیم و در بند هستیم؛ به قول خواجه عبدالله انصاری «بنده آنی که در بند آنی» هر کسی خودش می داند که در بند چیست؛ اگر بند دنیا از درون می کشد یعنی در بند دنیا هستیم و اگر بند شهرت می کشد به این معناست که هنوز در بند شهرت و قدرت هستیم و معلوم می شود که هنوز نفس را رها نکرده ایم و در بند و بندگی خدا قرار نگرفته ایم.

هر کسی خودش بهتر می داند که در بند چیست «الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» به قول مولوی «گر در طلب گوهر کانی کانی/ گر در پی جستجوی جانی جانی/ من فاش کنم حقیقت مطلب را/ هر چیز که در جستن آنی آنی» باید ببینیم که دنبال چه چیزی هستیم. اگر کینه یا مرض و حرص درون ما وجود دارد معلوم می شود که اصلاً در مهمانی خدا حضور پیدا نکرده ایم و خود را اصلاح نکرده ایم.

روزه اهل طریقت این است که از همه بندها خود را رها کند و همه چیز را به غیر از خدا را بر خود حرام داند. افطار چنین فردی وصال معشوق است که مولانا می فرماید «در هوایت بی قرارم روز و شب/ سر ز کویت برندارم روز و شب/ روز و شب را همچو خود مجنون کنم/ روز و شب را کی گذارم روز و شب/ تا بنگشایی به قنندت روزه ام/ تا قیامت روزه دارم روز و شب» همه بندها و دام ها ما را تهدید می کند؛ بنابراین انسان زمانی که از همه بندها و دام ها که او را تهدید می کند دور شود در واقع روزه واقعی گرفته است؛ روزه فقط نخوردن و نیاشامیدن نیست.

راه رسیدن به خدا حرام کردن هر چه غیر از خدا است. کتاب اسرار الشریعه و انوار الحقیقه علامه سید حیدر آملی را اگر بخوانیم مو بر بدن سیخ می کند که روزه داری های ما کجا و روزه داری های اهل طریقت کجا. اولیای الهی تا قیامت روزه دارند زیرا هرچه غیر از خدا را بر خود حرام کرده اند و امساک می کنند. فکر کردن یکی از آداب مراقبه است و تفکر برکاتی را به ارمغان می آورد برای اینکه تفکر کنیم باید ذکر بگوییم «ذکر باید گفت تا فکر آورد/ صد هزاران گفته بکر آورد»

ایکنا - برای طی این مسیر چه اذکاری را توصیه می فرمایید؟

ذکرهایی که اولیای الهی بیان کردند؛ خداوند این همه اسماء الله را برای همین قرار داده است و ما اکنون بعد از ماه رمضان تشنه ذکر هستیم و حداقل اذکار الهی را صبح و شام صد بار تکرار کنیم؛ مخصوصاً ذکر «یا رحمان و یا رحیم»، «یا حنان و یا منان»، «یا مفتاح الابواب»، «یا مسبب الاسباب» و... اینها اذکاری است که خداوند و اولیای الهی توصیه می کنند. علاقه مندان کتاب «تازیانه

سلوک» علامه حسن زاده آملی و «تذکره المتقین» شیخ محمد بهاری را مطالعه کنند که در این کتاب آداب ذکر گفتن را می آموزند.

انسان به جایی می رسد که دیگر جز لذت ذکر خدا هیچ چیز نمی خواهند. همانطور که امام سجاده (ع) می فرماید «إلهي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ يَغَيِّرُ ذِكْرَكَ» یعنی من از هر لذتی به جز لذت ذکر تو استغفار می کنم. اصلاً در زندگی هیچ چیز به غیر از خدا شیرین نیست و خداوند لذت دنیا و آخرت است.

«الهی فرح قلبی بنشاطی الذکر» انسان با هرکه می نشیند بعد از مدتی خسته می شود؛ از هر چیزی که بخورد بعد از اندکی دیگر لذت نمی برد اما ذکر خدا و همنشین خدا بودن هرچه بیشتر باشد لذت هم بیشتر می شود. انسان باید این موضوعات را تجربه کند تا بفهمد چقدر زندگی کردن با خدا شیرین است و بودن با خدا چه صفایی دارد و چه نشاط پایداری می آورد. خداوند در قرآن کریم می فرماید «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى» یعنی اوست که می خنداند و می گریاند؛ حتی اگر برای خدا گریه یا خنده کنیم شیرین است. اصلاً ذات گریه عرفانی لذت است؛ لذتی که گریه عرفانی دارد خنده های ظاهری ما ندارد.

بنابراین بیایم با خدا آشتی کنیم و قدر او را بدانیم به قول مولوی «گر خدا دادی مرا پانصد دهان/ گفتمی شرح تو ای جان جهان/ یک دهان دارم من آن هم منکسر/ در خجالت از تو ای دانای سر» یعنی اگر پانصد زبان داشتم همه را برای وصف تو به کار می گرفتم و برای ذکر تو مشغول می کردم اما همین یک زبان را دارم؛ ما چقدر آن را برای خدا به کار می بریم؟ نماز می خوانیم اما ذکر در نماز نداریم و الفاظی بر زبان جاری می شود اما توجه نداریم. ذکر یعنی توجه و تذکر و نماز معنای حقیقت است.

گفت وگو از سجاد محمدیان